

حادثه

قتل ناخواسته در پی شوخی با سلاح

• شرق:مرد جوانی هنگام شوخی با دوست صمیمی‌اش ناخواسته باعث مرگ او شد. این جوان در حال شوخی با سلاح شکاری بود که ناگهان گلوله‌ای شلیک شد و به مقتول اصابت کرد. متهم و مقتول که دو جوان ۲۷ و ۲۸ساله هستند از دوستان صمیمی بودند که در همسایگی هم در خانه‌ای روستایی در حوالی شهرستان مرودشت زندگی می‌کردند. روز حادثه یکی از دوستان متهم سراغ وی رفت و سلاح شکاری را که همراه خود آورده بود برای تماشایه متهم داد.متهم نیز چندبار گلنگدن را کشید تا مطمئن شود داخل آن گلوله‌ای نیست. در همین هنگام مقتول وارد محل شد و متهم برای شوخی با دوستش سلاح را به سمت وی گرفت.دو جوان چند دقیقه‌ای را به شوخی و خنده گذراندند تا اینکه ناگهان گلوله‌ای از سلاح شلیک شد. متهم پس از این حادثه با پلیس تماس گرفت و موضوع را گزارش داد و در تحقیقات محلی مشخص شد سلاح شکاری نقص فنی دارد با این وجود متهم و صاحب سلاح که مجوزهای لازم را در اختیار دارد، بازداشت شدند تا به این واقعه رسیدگی شود.

نگاه
فرشید فوگران · وکیل دادگستری

مشابه حادثه تلخ و ناگوار در گذشت جوان روستایی که به واسطه خرابی اسلحه شکاری و شلیک ناخواسته گلوله از آن به وقوع پیوسته، قبلا در نقاط مختلف کشور ملاحظه شده و این حوادث از چند منظر قابل بررسی و تامل است.

۱- ضرورت تقابل دقیق نوع قتل که لازمه چگونگی برخورد جزایی با اعمال مجازات احتمالی مجرم یا مجرمان است.

۲- تشخیص صحیح مقصر یا مقصران و تعیین نوع و میزان مسوولیت آنها در وقوع حادثه موصوف.
۳- تبیین مسامرات لازم و مکفی و پیش‌بینی راهکارهای مناسب عملیاتی و حقوقی به منظور پیشگیری از حوادث مشابه در آینده.
اولا درخصوص تشخیص نوع قتل و نظر به جزییات خیر واصله و تطبیق آن با مواد ۲۸۹ الی ۲۹۵قانون مجازات اسلامی مصوب اردیبهشت ۹۲ چنین به نظر می‌رسد که حادثه مذکور منصرف از تعریف قتل عمدی است پس نمی‌توان هیچ‌یک از متهمان پرونده یعنی شخص ضارب یا فرد صاحب اسلحه را تحت عنوان قتل عمد مورد محکومیت کیفری قرار داد زیرا عمل متهمان مشمول تعاریف هیچ‌یک از بندهای چهارگانه ماده ۲۹۰ قانون مجازات اسلامی که در مقام تشریح ارکان و توضیح عنوان قتل عمد تبیین شده‌است نیست. توضیح اینکه هیچ‌یک از متهمان قصد نتیجه حاصله از فعل واقع شده بر مقتول را نداشتند و همچنین قصد فعل مشخص موثر در قتل، یعنی خروج گلوله از تفنگ و ورود آن به بدن متوفی را نیز نداشتند و بدیهی است که صرف کشیدن ماشه تفنگی که به‌زعم متصرف آن خالی از فشنگ است نمی‌تواند نوعا کشنده باشد که بتوان بر مبنای نوعا کشنده بودن آن، حکم بر عمدیت قتل مذکور داد. دوم اینکه در تشخیص این مطلب که آیا عمل موصوف از مصادیق قتل شبه‌عمد بوده یا مشمول احکام قتل خطای محض است باید زوایای فنی و تخصصی پرونده دقیقا بررسی شود تا عنوان صحیح عمل متهمان مشخص شود. توضیح اینکه اگر صاحب اسلحه از خرابی اسلحه خود مطلع بوده و بدون رعایت احتیاط و مقررات انتظامی راجع به ارتداد سلاح مجاز، اسلحه خود را در اختیار ضارب قرار داده و ضارب نیز کلیه جواب احتیاطی را رعایت کرده باشد همچنان که برای اطمینان از خالی‌بودن اسلحه چند مرتبه گلنگدن آن را کشیده است، به نظر می‌رسد عمل موصوف از مصادیق قتل شبه‌عمد بوده و صاحب اسلحه در صورت مطالبه اولیادهم،مسئول پرداخت بابت مقتول و مستحق تحمل مجازات تعزیری قانونی است اما چنانچه ثابت شود صاحب اسلحه از معیوب‌بودن آن اطلاع نداشته و کلیه اقدامات احتیاطی را انجام داده و مقررات انتظامی را نیز رعایت کرده یا اینکه عیب اسلحه به صورت ناگهانی و غیرقابل پیش‌بینی یا پیشگیری ایجاد شده باشد، در این صورت صاحب اسلحه، بی‌گناه و مستحق حکم برات است و به نظر نگارنده در این فرض عمل انجام شده از ناحیه ضارب به دلیل فقدان قصد نتیجه و نیز فقدان قصد فعل واقع شده به متوفی از مصادیق قتل خطای محض بوده که در صورت مطالبه اولیادهم بدیهه مقرره بر عهده عاقله ضارب یا خود ضارب (بسته به دلیل اثبات قتل) است و مجازات دیگری متوجه وی نیست. البته ممکن است براساس پارای از دیدگاه‌های حقوقی فنی شوخی انجام شده از سوی ضارب را به منزله بی‌میلاتی و رفتار خلاف مقررات و انتظامات ویژه داشته و با اعتقاد به شبه‌عمدبودن قتل شخص او را مستحق پرداخت دیه و مجازات تعزیری بدانند. سوم اینکه با توجه به وقوع حوادث متعدد مشابه این حادثه، به نظر می‌رسد قوانین راجع به حمل و نگهداری و استفاده از سلاح‌های شکاری یا جنگی مجاز و همچنین مقررات نظارتی و پیشگیرانه مربوط به آنها بسیار ناقص و ناکارآمد است و باید از سوی مسوولان مربوطه و تحت نظر کارشناسان خبره نظامی و اجرایی و حقوقی، بررسی و اصلاح شود و به تصویب مراجع ذی‌صلاح برسد که البته بحث در این خصوص از حوصله این مقام خارج است.

حوادث

قتل در خانه استاد دانشگاه

متهم به حبس و تبعید محکوم شد

شرق: پرونده قتل در خانه گرافیست جوان که به‌خاطر سوءظن مرد زندانی به همسرش اتفاق افتاده بود،با صدور حکم حبس و تبعید متهم در دادگاه کیفری استان تهران بسته شد. به گزارش خبرنگار ما، نقوری نماینده دادستان در ابتدای جلسه رسیدگی به این پرونده که صبح دیروز در شعبه ۷۱ دادگاه کیفری استان تهران برگزار شد، در توضیح کیفرخواست گفت: احمد متهم ۵۳ساله پرونده، ششم‌شهریور سال گذشته جوانی بنام شاهرخ را با ضرب چاقو به قتل رسانده و به‌عنوان نماینده دادستانی با توجه به اقرارات متهم، گفت‌های شاهدان پرونده، بازسازی صحنه قتل و سایر قرائن موجود در پرونده درخواست صدور حکم قانونی را دارم. سپس اولیای‌دم در جایگاه حاضر شدند و برای متهم درخواست صدور حکم قصاص کردند. در ادامه شاکی دیگر پرونده بنام پدرام که صاحب خانه‌ای بود که قتل در آن اتفاق افتاده بود، در جایگاه حاضر شد و گفت: من، یکی از دوستانم بنام میلاد و همسرش در یک خانه زندگی می‌کردیم. صاحبخانه میلاد آنها را بیرون کرده بود به همین دلیل هم به خانه من آمدم. بعد از آنجایی که من خانه مجری داشتم، دوستانم به آنجا رفت‌وآمد زیادی داشتند از جمله افرادی که به منزل من می‌آمدند شاهرخ و احمد بودند. این دو نفر مدتی قبل از قتل با هم در گریزی پیدا کرده بودند اما مساله حل شده بود. روز حادثه یکی از دوستان دیگرم بنام مهدی که تازه از زندان آزاد شده بود به خانه من آمد و گفت متوجه شده زمانی که زندان بوده همسرش موژان با شاهرخ رابطه داشته است. من سعی کردم او را آرام کنم. گفتم شاهرخ این کار را نکرده است و در این مدت من خلاقی از امیدهام اما مهدی می‌گفت من پنهانکاری می‌کنم. این درگیری روز قبل از قتل اتفاق افتاد. فردی آن روز دوباره مهدی را من دعوا کرد و احمد هم از او حمایت می‌کرد. او با چاقو چندین ضربه به من زد به‌گونه‌ای که دیگر نتوانستم حرکتی کنم. در همین حین شاهرخ هم وارد خانه شد و درگیری شدیدی بین او و مهدی اتفاق افتاد. احمد هم که از دست شاهرخ عصبانی بود، به سمتش رفت. چاقو داشت. شاهرخ دستش را بالا گرفت که ضربه به سینه‌اش نخورد اما ضربه به دستش اصابت کرد و یکدفعه خون از دستش فواره زد. مهدی ترسیده بود و به احمد گفت چرا! اینطور زدی؟ چرا او را کشتی؟ بعد آنها از ترس از خانه فرار کردند. یکی از دوستانم بنام فلور

شاهرخ و احمد متهم

شاهرخ و احمد متهم

شاهرخ و احمد متهم

شاهرخ و احمد متهم

شاهرخ و احمد متهم

شاهرخ و احمد متهم

شاهرخ و احمد متهم

شاهرخ و احمد متهم

شاهرخ و احمد متهم

شاهرخ و احمد متهم

شاهرخ و احمد متهم

شاهرخ و احمد متهم

شاهرخ و احمد متهم

شاهرخ و احمد متهم

شاهرخ و احمد متهم

شاهرخ و احمد متهم

شاهرخ و احمد متهم

شاهرخ و احمد متهم

شاهرخ و احمد متهم

شاهرخ و احمد متهم

شاهرخ و احمد متهم

شاهرخ و احمد متهم

شاهرخ و احمد متهم

شاهرخ و احمد متهم

شاهرخ و احمد متهم

شاهرخ و احمد متهم

شاهرخ و احمد متهم

شاهرخ و احمد متهم

شاهرخ و احمد متهم

شاهرخ و احمد متهم

شاهرخ و احمد متهم

شاهرخ و احمد متهم

شاهرخ و احمد متهم

شاهرخ و احمد متهم

شاهرخ و احمد متهم

شاهرخ و احمد متهم

شاهرخ و احمد متهم

شاهرخ و احمد متهم

شاهرخ و احمد متهم

شاهرخ و احمد متهم

شاهرخ و احمد متهم

شاهرخ و احمد متهم

شاهرخ و احمد متهم

شاهرخ و احمد متهم

شاهرخ و احمد متهم

شاهرخ و احمد متهم

شاهرخ و احمد متهم

شاهرخ و احمد متهم

شاهرخ و احمد متهم

شاهرخ و احمد متهم

شاهرخ و احمد متهم

شاهرخ و احمد متهم

شاهرخ و احمد متهم

شاهرخ و احمد متهم

شاهرخ و احمد متهم

شاهرخ و احمد متهم

شاهرخ و احمد متهم

شاهرخ و احمد متهم

شاهرخ و احمد متهم

شاهرخ و احمد متهم

شاهرخ و احمد متهم

شاهرخ و احمد متهم

شاهرخ و احمد متهم

شاهرخ و احمد متهم

شاهرخ و احمد متهم

شاهرخ و احمد متهم

شاهرخ و احمد متهم

شاهرخ و احمد متهم

شاهرخ و احمد متهم

شاهرخ و احمد متهم

شاهرخ و احمد متهم

شاهرخ و احمد متهم

شاهرخ و احمد متهم

شاهرخ و احمد متهم

شاهرخ و احمد متهم

شاهرخ و احمد متهم

شاهرخ و احمد متهم

شاهرخ و احمد متهم

شاهرخ و احمد متهم

شاهرخ و احمد متهم

شاهرخ و احمد متهم

شاهرخ و احمد متهم

شاهرخ و احمد متهم

شاهرخ و احمد متهم

شاهرخ و احمد متهم

شاهرخ و احمد متهم

شاهرخ و احمد متهم

شاهرخ و احمد متهم

شاهرخ و احمد متهم

شاهرخ و احمد متهم

شاهرخ و احمد متهم

شاهرخ و احمد متهم

شاهرخ و احمد متهم

شاهرخ و احمد متهم

شاهرخ و احمد متهم

شاهرخ و احمد متهم

شاهرخ و احمد متهم

شاهرخ و احمد متهم

شاهرخ و احمد متهم

شاهرخ و احمد متهم

شاهرخ و احمد متهم

شاهرخ و احمد متهم

شاهرخ و احمد متهم

شاهرخ و احمد متهم

شاهرخ و احمد متهم

شاهرخ و احمد متهم

شاهرخ و احمد متهم

شاهرخ و احمد متهم

شاهرخ و احمد متهم

در خانه من بود. برای کمک آمد. گفتم با اورژانس تماس بگیر و به پلیس خبر بده اما

گفت تلفن‌ها را برده‌اند کاری نمی‌توانم بکنم. گفتم برو بیرون کمک بیاور. در همین حین رنگ در خانه زده شد. یکی از دوستانم بنام ماهان با همسرش آمده بود. فلور من را به سمت آفایا پرد، به او گفتم برو کمک بیاور، اینجا چاقوکشی شده است. او هم رفت. چند دقیقه بعد دو نفر از دوستان دیگرم آمدند. آنها از طریق ماهان متوجه ماجرا شده بودند. به آنها گفتم من را رها کنید و سراغ شاهرخ بروید. دستش را با پارچهای بستند و بعد از آن من بیپوش شدم. وقتی به هوش آمدم معاونان اورژانس در خانه بودند. تکبیسین اورژانس گفت یکی در خانه‌ات مرده است. تازه آن موقع فهمیدم ساعت‌ها ز ماجرا گذشته است. پدرام ادامه داد: مهدی خودش نمی‌خواست شاهرخ را بکشد و فقط می‌خواست او را کتک بزند چون مدتی زندانی بود به زنش شک کرده بود و فکر می‌کرد خودش کار خلاف کرده حتما زنش هم خلاقی مرتکب شده است. چون من مجرد و استاد دانشگاه هم بودم رفت‌وآمدم زیاد بود به‌همین‌خاطر آنها همه به من پناه آورده بودند. در این هنگام قاضی عزیزمحمدی- رئیس دادگاه- به این مرد گفت: همسایه‌ها شهادت دادند تو خانات را به مرکز فساد تبدیل کرده بودی و دختران زیادی به خانات رفت‌وآمد می‌کردند. چه دلیلی داشت این همه آدم مرتب به خانه‌ات بیایند و دختران و پسران در آنجا با هم رابطه داشته باشند؟ مرد صاحبخانه گفت: شاید همسایه‌ها از دستم ناراحت بودند که چنین حرفی زده‌اند من با کسی رابطه نامشروع نداشتم. همسر مهدی هم با شاهرخ رابطه نداشت و این قضیه ثابت شده است. ما فقط با هم دوست بودیم. در ادامه متهم در جایگاه حاضر شد. او گفت: وقتی مهدی از زندان بیرون آمد، موژان همسرش جواب تلفنش را نداد به همین دلیل مهدی فکر کرد زنش با شاهرخ رابطه دارد. این موضوع را به پدرام گفت و پدرام هم با حرف‌هایش مهدی را تحریک کرد. می‌گفت در این مدت آنها بهم می‌رسیدند. از خانه بیرون می‌رفتند و دیروقت می‌آمدند. من سعی کردم به پدرام بفهمانم نباید این حرف‌ها را بزند به‌همین‌خاطر یا چاقو و لیوان او را زدم و این را قبول دارم اما ضربات کاری نبود. روز حادثه مهدی خیلی عصبی بود.من بیرون رفتم و نمی‌توانستم برگرد. گفتم اینطور مهدی آرام می‌شود و چندساعت بعد با شاهرخ حرف می‌زنم و همه‌چیز

شاهرخ و احمد متهم

شاهرخ و احمد متهم

شاهرخ و احمد متهم

شاهرخ و احمد متهم

شاهرخ و احمد متهم

شاهرخ و احمد متهم

شاهرخ و احمد متهم

شاهرخ و احمد متهم

شاهرخ و احمد متهم

شاهرخ و احمد متهم

شاهرخ و احمد متهم

شاهرخ و احمد متهم

شاهرخ و احمد متهم

شاهرخ و احمد متهم

شاهرخ و احمد متهم

شاهرخ و احمد متهم

شاهرخ و احمد متهم

شاهرخ و احمد متهم

شاهرخ و احمد متهم

شاهرخ و احمد متهم

شاهرخ و احمد متهم

شاهرخ و احمد متهم

شاهرخ و احمد متهم

شاهرخ و احمد متهم

شاهرخ و احمد متهم

شاهرخ و احمد متهم

شاهرخ و احمد متهم

شاهرخ و احمد متهم

شاهرخ و احمد متهم

شاهرخ و احمد متهم

شاهرخ و احمد متهم

شاهرخ و احمد متهم

شاهرخ و احمد متهم

شاهرخ و احمد متهم

شاهرخ و احمد متهم

شاهرخ و احمد متهم

شاهرخ و احمد متهم

شاهرخ و احمد متهم

شاهرخ و احمد متهم

شاهرخ و احمد متهم

شاهرخ و احمد متهم

شاهرخ و احمد متهم

شاهرخ و احمد متهم

شاهرخ و احمد متهم

شاهرخ و احمد متهم

شاهرخ و احمد متهم

شاهرخ و احمد متهم

شاهرخ و احمد متهم

شاهرخ و احمد متهم

شاهرخ و احمد متهم

شاهرخ و احمد متهم

شاهرخ و احمد متهم

شاهرخ و احمد متهم

شاهرخ و احمد متهم

شاهرخ و احمد متهم

شاهرخ و احمد متهم

شاهرخ و احمد متهم

شاهرخ و احمد متهم

شاهرخ و احمد متهم

شاهرخ و احمد متهم

شاهرخ و احمد متهم

شاهرخ و احمد متهم

شاهرخ و احمد متهم

شاهرخ و احمد متهم

شاهرخ و احمد متهم

شاهرخ و احمد متهم

شاهرخ و احمد متهم

شاهرخ و احمد متهم

شاهرخ و احمد متهم

شاهرخ و احمد متهم

شاهرخ و احمد متهم

شاهرخ و احمد متهم

شاهرخ و احمد متهم

شاهرخ و احمد متهم

شاهرخ و احمد متهم

شاهرخ و احمد متهم

شاهرخ و احمد متهم

شاهرخ و احمد متهم

شاهرخ و احمد متهم

شاهرخ و احمد متهم

شاهرخ و احمد متهم

شاهرخ و احمد متهم

شاهرخ و احمد متهم

شاهرخ و احمد متهم

شاهرخ و احمد متهم

شاهرخ و احمد متهم

شاهرخ و احمد متهم

شاهرخ و احمد متهم

شاهرخ و احمد متهم

شاهرخ و احمد متهم

شاهرخ و احمد متهم

شاهرخ و احمد متهم

شاهرخ و احمد متهم

شاهرخ و احمد متهم

شاهرخ و احمد متهم

شاهرخ و احمد متهم

شاهرخ و احمد متهم

شاهرخ و احمد متهم

شاهرخ و احمد متهم

شاهرخ و احمد متهم

شاهرخ و احمد متهم

شاهرخ و احمد متهم

شاهرخ و احمد متهم

شاهرخ و احمد متهم

شاهرخ و احمد متهم

شاهرخ و احمد متهم

شاهرخ و احمد متهم

شاهرخ و احمد متهم

شاهرخ و احمد متهم



شاهرخ و احمد متهم

شاهرخ و احمد متهم

شاهرخ و احمد متهم

شاهرخ و احمد متهم

شاهرخ و احمد متهم

شاهرخ و احمد متهم

شاهرخ و احمد متهم

شاهرخ و احمد متهم

شاهرخ و احمد متهم

شاهرخ و احمد متهم